

نقطه نظر / نقد نظر

محل به مثابه امکانی برای جذب گردشگر (همبستگی اجتماعی در محلات سنتی، عامل قوام حیات محله)

محمد رضا سرتیپی اصفهانی*

کارشناس ارشد معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

چکیده | تحولات اساسی سبک زندگی در تمام جهان، بر صنعت گردشگری نیز تأثیر گذاشته است. مقاصد گردشگری از موزه‌ها و اماکن تاریخی دور شده و به ورطه‌ای جدید پا گذاشته که انسان را دمی از زندگی روزمره (و شاید کسالت‌بارش) رها کند. تنوع‌طلبی و کمال‌گرایی بشر را شاید بتوان مهم‌ترین ابزار وی دانست که منجر به پیشرفت‌های او شده است. انسان همواره به وضع خود نقد دارد و به دنبال تجربه متفاوتی است که وضع موجود او را ارتقا بخشد. این اصل در گردشگری نیز دیده می‌شود. گردشگران نسل جدید به کشورها و شهرهای گوناگون با تنوع فرهنگی-زیستی سفر می‌کنند تا تجربه زندگی متفاوت در بستر فرهنگی متفاوت را تجربه کنند. در هتل‌های بوم‌گردی اسکان یابند، همراه محلی‌ها در طبخ غذا مشارکت کنند، در آیین و جشن‌های ایشان شرکت کرده و به‌طور کلی از نزدیک تجربه فرهنگی-زیستی متفاوتی را تجربه کنند. در حال حاضر شهرهای جدید و سبک زندگی ما همانند دیگر مردمان جهان شده و گردشگر را کمتر به خود جذب می‌کند. زندگی جاری در محلات سنتی و روستاهای ایران، برگرفته از فرهنگ و شرایط محیطی، جذاب و متنوع است که می‌تواند گردشگر را به تجربه خود وسوسه کند. سؤالی که مطرح می‌شود این است: عاملی که حیات را به محلات بخشیده و گردشگران را از دور دنیا برای لمس آن‌ها به محلات کشانده چیست؟

واژگان کلیدی | همبستگی اجتماعی، محله، گردشگری.

همانا «شهر» به‌عنوان محصول برتر تمدن بشری است. در شهرهای سنتی شاهد این همبستگی اجتماعی میان افراد محلات هستیم در صورتی که در شهرهای معاصر با وجود آسایش و امکانات بیشتر، شاهد جدایی نوع بشر از یکدیگریم. این در حالی است که همبستگی افراد در تشکیل محله یا شهر، خود از جاذبه‌های گردشگری برای گردشگران خواهد بود و این امکانی است که به راحتی در صنعت گردشگری نادیده گرفته شده است.

بدنه نقد

قرن‌ها پیش، بشر با روی آوردن به زندگی گروهی، پایه‌های

مقدمه و بیان مسئله | چرا شهر و محله به‌عنوان بستر زمینه‌ساز اتفاقات و مناسبات اجتماعی، در زمان حال، به قدرت شهرهای سنتی ایران، جوابگو و ارتقادهنده مناسبات و «همبستگی اجتماعی» نیستند؟ همبستگی اجتماعی چه تأثیری بر جذب گردشگران خواهد داشت؟ صحبت کردن درباره زندگی گروهی انسان‌ها امروزه مسئله‌ای بدیهی به نظر می‌آید. در زمان حال، زیست انسان بدون ارتباط با دیگری (چه از نظر رفع نیازهای مادی و حیاتی و چه ارتباطات روانی و روحی) تقریباً امکان‌ناپذیر است. بستری که در آن انسان بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند،

*نویسنده مسئول: mohammad.sartipi@ut.ac.ir، ۰۹۳۹۲۲۵۸۱۴۵

این محلات، دیوار مشترک خانه‌هایی است که برای زندگی روزمره از مسیره‌ها، فضاها و عملکردهای مختلف بهره می‌برند. از دید مکنزی محله مفهوم گویای «واحد نزدیک فیزیکی و محل ارتباط اجتماعی» است در صورتی که محله‌های شهرهای امروزی ما دارای واگرایی و حس بیگانگی افراد محله نسبت به همدیگر هستند (موسوی، ۱۳۹۱، ۷۱-۷۲). جامعه‌شناسان معتقدند «معرف‌های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه‌پذیری در ارتباط است» (معصومی، ۱۳۸۸، ۴۲). همین امر است که محله را واجد ارزش می‌کند. «ویژگی مشترک همه محلات در شهرهای ایرانی برخوردار از مرکزیتی اجتماعی، کارکردی و معنایی بوده که در سطح محله [به‌صورت واحدهای مستقل] خدمات‌رسانی می‌کرده‌است» (ابرقویی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۶).

حال سؤال این است که همبستگی اجتماعی چه تأثیری در ارتقای کیفیت محله دارد؟ و این کیفیت افزوده، چه جذابیتی برای گردشگران خواهد داشت؟

در مورد سؤال اول می‌توان این‌گونه بیان نمود که همبستگی افراد یک گروه (در اینجا ساکنین یک محله) در تداوم بقای آن گروه حرف اول را می‌زند. این همبستگی است که افراد خود را در سختی‌ها و خوشی‌ها حمایت می‌کند و مشکلاتی از ایشان برطرف می‌نماید. مثال بارز آن همبستگی هم‌محله‌ای‌ها در رفع مشکل مهمان‌داری در سینمایی «مهمان مامان» (۱۳۸۲) ساخته داریوش مهرجویی است. افراد محله (که در اینجا می‌تواند خانواده‌های تشکیل‌دهنده محله نیز باشند) خود را مُتَعَلِقِ آن محله و محله را مُتَعَلِقِ خود می‌دانند (من عضوی از محله خویش هستم و محله نیز مال من است) لذا از آن دفاع می‌کنند. محلات همواره زیر نظر نگهبانان مردمی مخفی خود است که غریبه‌ها را پایش و تا خروج او از مرز محله، رصد خواهند کرد. پس بقای محله در گروی بقای این همبستگی اعضای آن است. با نبود همبستگی و تعلق اعضا، گروه و محله‌ای نخواهد بود تا از آن دفاع شود یا در یادهای مشترک مردم بماند.

در مورد سؤال دوم نیز می‌توان به گفته‌ای از «یان گل» (۱۳۹۲) اشاره کرد. وی جاذبه‌های قرن حاضر را افراد می‌داند نه ابنیه. انسان بالذات جذب مکان‌هایی می‌شود که برای هم‌نوع آن‌ها جذابیت داشته و دیگران را به خود جذب کرده است. یکی از راه‌های نانوشته و فطری انتخاب فروشگاه

زندگی اجتماعی نژاد خویش را محکم‌تر کرد. گردهمایی انسان‌ها در قالب گروه‌هایی کوچک منجر شد توان آن‌ها در تکمیل توان و انرژی یکدیگر در مقابله با تهدیدات خارجی و تلاش برای بقای خویش، سینرژی به همراه داشته باشد. برای گردهمایی این تعداد انسان در کنار یکدیگر، نیاز به عاملی است که آن‌ها را در رسیدن به هدف خود هدایت نموده، تعارضات آن‌ها را فیصله دهد و اتحاد میان ایشان را تقویت نماید و این مهم دست‌یافتنی نخواهد بود مگر با پذیرش متقابل اصول مشترک بین ایشان و رعایت آن توسط همه اعضا گروه که این امر را «توافق اجتماعی» نام نهاده‌اند. توافق باعث شد نوع بشر خود را عضو گروهی بداند که در آن به اهداف خود در سایه دست‌یابی به اهداف جمع خواهد رسید. همین مسئله منجر به ایجاد حس عاطفی قوی میان اعضا نسبت به اعضای دیگر و خود گروه شد که از ثمرات آن حس مسئولیت‌پذیری، تکلیف، تعهد و تعلق اعضا نسبت به دیگران و گروه است. این همان نیروی پنهان درون وفاق اجتماعی است که منجر به «همبستگی اجتماعی» اعضا می‌گردد. با وجود همبستگی اجتماعی به عقیده اسپنسر، گروه بشری مذکور به جامعه‌پذیری نزدیک‌تر شده و می‌توان «جامعه» انسانی را شاهد بود (موسوی، ۱۳۸۱، ۱۲۰-۱۲۱-۱۲۵)، (تصویر ۱).

تالکوت پارسنز (جامعه‌شناس آمریکایی) معتقد است: «عامل تقویت همبستگی اجتماعی [...] در تعادل و هماهنگی میان ایده‌ها، باورها و ارزش‌های مشترک با محیط [...] است و باورهای مشترک به خودی‌خود [...] نمی‌توانند همبستگی میان افراد جامعه را تأمین کنند [...]». (باقی‌نصرا بادی، ۱۳۸۴). محیطی به‌مثابه بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی را به‌طور کلی می‌توان شهر در نظر گرفت (زیرا شهرها در راستای زندگی اجتماعی بشر به‌وجود آمده‌اند). از میان مؤلفه‌های سازنده شهر، «محله» به‌مثابه یک گونه بسیار مهم از کل‌های کوچک شهر را نیز می‌توان بستری کوچک‌مقیاس‌تر از شهر برای ایجاد روابط اجتماعی پنداشت که در این یادداشت نیز به این مفهوم ارزشمند در شهرهای تاریخی ایران پرداخته شده است. محلات شهرهای ایرانی (پس از اسلام) کل‌های کوچک منظری و تقسیمات شهری فضایی-اجتماعی محسوب می‌شوند که انسان را با هم‌نوعش و در حد توان ادراکی وی در ایجاد ارتباط اجتماعی با دیگران قرار می‌دهد. مرز

زندگی گروهی ← توافق اجتماعی ← همبستگی اجتماعی ← جامعه‌پذیری ← جامعه

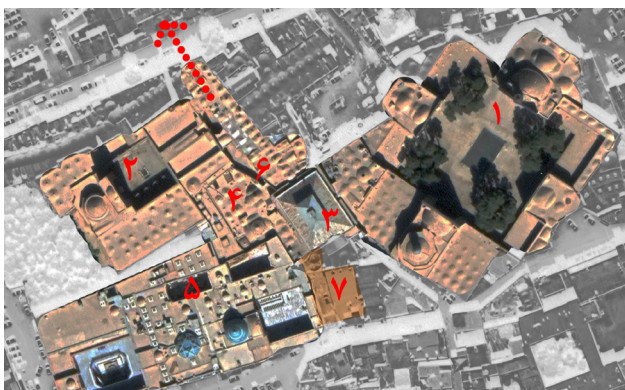


تصویر ۱. از زندگی گروهی تا تشکیل جامعه. مأخذ: نگارنده.

گردشگری که بشر از سطوح ابتدایی کشور مقصد گذر کرده است، علاقه به سطوح زیربنایی‌تر فرهنگی، رسوم و نوع زندگی متفاوت ایشان، در اولویت بالاتری قرار گرفته است که نشانهٔ بارز آن رونق مراکز بوم‌گردی است که گردشگر را با تار و پود زندگی و فرهنگ کشور مقصد آشنا می‌کند و تجربهٔ زیست بلاواسطهٔ آن فرهنگ را برای او به ارمغان می‌آورد. مناطق شهرهای ما، فاقد حیات مورد توجه چنین گردشگرانی است و می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل آن را عدم همبستگی افراد دانست. چراکه همبستگی افراد محله، هویت یکپارچه آن را تضمین می‌کند که در مناطق جدید دیده نمی‌شود. گردشگر با زندگی افرادی مواجه است که در برابر کل شهر و نه در برابر یک محله قرار دارد، لذا تفاوت چندانی بین نقاط مختلف شهر و حتی کشور دیده نمی‌شود که آن را شاخص و لایق بازدید گردشگر کند. از بین رفتن همبستگی محله و هم‌محله‌ای‌ها همانا و نابودی هویت محله همانا (تصویر ۲).

جمع‌بندی

با پیشرفت تکنولوژی‌های گوناگون از جمله دسترسی سهل به اطلاعات کامل بناها و فضاهای جاذب گردشگر با استفاده از دنیای وب و همچنین واقعیت‌های افزوده و واقعیت‌های مجازی (AR و VR) صنعت گردشگری پا به دنیایی جدید با تحولات شگرف نهاده است. گردشگران دیگر به شدت گذشته مشتاق دیدار ابنیه و موزه‌ها نیستند چراکه بدون هیچ هزینه‌ای، تنها با یک اشاره از راه دور به دنیای بی‌پایانی دربارهٔ آن‌ها دست خواهند یافت. آنچه یک انسان قرن ۲۱ را به کشوری دیگر می‌کشاند، شاید تجربهٔ متفاوت زیست آن کشور مقصد باشد. لمس بی‌واسطهٔ فرهنگ و زندگی روزمره‌ای متفاوت از زندگی خویش. فزونی هتل‌های بوم‌گردی، تأییدی بر این ادعاست. لذا گردشگر برای تجربهٔ زندگی روزمره‌ای به



تصویر ۲. مجموعه بناهای عمومی در مرکز محله، امکان برخورد افراد را بیشتر می‌کند. (۱) مسجد-مدرسهٔ سلطانی، (۲) مسجدجامع سمنان، (۳) تکیه پهنه، (۴) حمام پهنه، (۵) امامزاده یحیی، (۶) بازار سمنان و (۷) حسینیهٔ محلهٔ اسفنجان، سمنان. مأخذ: مجیدی و همکاران، ۱۴۰۱.

خوب، «فروشگاهی است که شلوغ‌تر است». همبستگی افراد محله، منجر به افعالی از جانب ایشان در محله می‌شود که نمایش‌دهندهٔ حیات محله است. پیرزنی که با هم‌سالان خود از جلسهٔ دعای مسجد محله برمی‌گردد، کاسبی که هم‌زمان با آب و جارو کردن جلوی مغازهٔ خود با رهگذران خوش‌وبش می‌کند، نوجوانی که در صف نانوايي با هم‌محله‌ای‌اش دربارهٔ رفع مشکل مالی هم‌کلاسی‌شان مشورت می‌کند، زن خانه‌داری که زنبیل به دست در بقالی محله از احوال همسایه جویا می‌شود، همگی از افعالی هستند که شرط ایجاد آن‌ها «آشنا بودن و شناختن هم‌محله‌ای‌ها» است. شناخت و مشاهدهٔ این رفتارها، مبین فرهنگ جاری در محله است که شرط بروز آن این همبستگی افراد با هم می‌باشد و این جاذبه‌ای است که یان گل از آن یاد می‌کند و جاذب گردشگر خواهد بود. مسئله‌ای که در محلات حال حاضر (اگر بتوان اسمشان را محله گذاشت) دیده نمی‌شود. در این مناطق شهری افراد از یکدیگر بیگانه‌اند، همبستگی نداشته و حس تعلق ویژه به محل زندگی خویش یا هم‌محله‌ای خود (به شدت گذشته) ندارند. به دلیل سبک زندگی جدید افراد معمولاً نیازهای خود را در محل‌هایی به دور از محل زیست خود در کنار غریبه‌ها، برطرف می‌نمایند که خود به نحوهٔ شهرسازی و جانمایی کانون‌های خدماتی، اشتغال و زندگی انسان‌های معاصر بر می‌گردد.

در مقالهٔ «خوانش محله به‌مثابهٔ منظر» (مجیدی و همکاران، ۱۴۰۱) به بررسی و خوانش محله از ابعاد مختلف آن در دو شهر تاریخی سمنان و دامغان به نمایندگی اغلب محلات سنتی ایران پرداخته شده است. در این مقاله به تمرکزگرایی عملکردهای مختلف در مرکز محلات اشاره شده و دلایل احتمالی مختلف که منجر به این همنشینی فضایی گشته، به‌طور اجمالی در قالب فرضیه‌هایی بیان شد. یکی از مهم‌ترین این دلایل همبستگی اجتماعی است. هر کاربری مخاطبین خاص خود با سنین، سلايق، جنسیت‌ها و نیازهای مختلف را به خود جذب می‌کند. همان‌گونه که مولکول‌های درون یک جعبه، هرچه فضای جعبه کوچکتر شود، احتمال برخورد مولکول‌ها با یکدیگر بیشتر خواهد شد، همنشینی و جانمایی کاربری‌های مختلف در یک نقطهٔ متمرکز امکان ایجاد برخورد افراد با هم را افزایش می‌دهد لذا امکان رخداد مرادۀ اجتماعی میان آن‌ها افزایش می‌یابد و بستری فراهم می‌شود تا حیات محله را تضمین کند و این همان جاذبه‌ای است که گردشگر را به خود جذب خواهد کرد. همین امر یکی از مهم‌ترین زنگ خطرهای است که نه‌تنها شهرسازی معاصر، بلکه بافت‌های قدیمی را نیز تهدید می‌کند. بافت‌هایی که مرمت شده‌اند اما تنها کالبد آن‌ها مومیایی گشته و زندگی روزمره از آن رخت بر بسته است و تنها جسدی بی‌جان از آن باقی مانده. در نسل جدید صنعت

داشت. محلات ما برای بقای خود (برای ساکنین آن) و همچنین برای استفاده از امکان و پتانسیل جذب گردشگر، نیازمند همبستگی اجتماعی است که یکی از راه‌حل‌های آن شهرسازی محله‌گرا خواهد بود. افراد همدیگر را بشناسند و از مرکز متمرکزی مایحتاج خود را تأمین کنند که بستر ساز افزایش مراودات اجتماعی ایشان باشد. این رویکرد که موردعلاقه بسیاری از کشورهای جهان برای احیاء زندگی اجتماعی و ارتقای کیفیت زیست آن‌ها قرار گرفته، شاید اکسیری باشد که محلات را برای ساکنینش زنده کرده و گردشگران را به خود جذب نماید.

ایران می‌آید، که به‌واسطه سبک زندگی جدید و همچنین نبود آن‌چه افراد را یک هم‌شهری یا هم‌محله‌ای می‌کند و پیش‌تر آن را همبستگی اجتماعی نامیدیم، کمیاب است. افرادی که به‌واسطه آشنایی با یکدیگر و هویت مشترک داشتن در محله از خود بروز می‌دهند، در بافت‌های قدیمی بیشتر دیده می‌شود. بنابراین همبستگی اجتماعی نه تنها متضمن حیات و بقای محله و هویت آن در دید مخاطب است، بلکه متضمن و بستر ساز رویدادها و افعالی از جانب ساکنین است، که در صورت دارا بودن هویت واحد از ایشان بروز خواهد کرد. رویدادهایی که برای گردشگر جاذبه خواهد

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده؛ برومند، هدیه؛ طایفه حسینلو، اردلان؛ لطیفی، محمدمهدی؛ نبی، سیده یگانه و نیکزاد، غزل. (۱۳۹۹). فضاهای جمعی، مفهومی روبه زوال ارزیابی کیفیت اجتماعی فضاهای شهری در بافت تاریخی شهر گرگان. هنر و تمدن شرق، ۸(۲۸)، ۲۳-۳۲.
- ابرقویی فرد، حمیده و منصور، سید امیر. (۱۴۰۰). بازخوانی مؤلفه‌های سازنده سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام در سفرنامه‌های قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری. منظر، ۱۳(۵۵)، ۲۰-۲۹.
- باقی‌نصرآبادی، علی. (۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی. حصون، (۶).
- گل، یان. (۱۳۹۲). شهر انسانی (ترجمه علی غفاری و لیلا غفاری). تهران: علم معمار.
- مجیدی، مریم؛ سرتیپی اصفهانی، محمدرضا؛ حسنی‌فر، فهیمه؛ حسینی، حدیث؛ سلیمانی سالار، پانید و طهماسبی، زهرا. (۱۴۰۱). خوانش محله به‌مثابه منظر (مطالعه موردی: محلات تاریخی سمنان و دامغان). گردشگری فرهنگ، ۳(۹)، ۱۶-۵.
- معصومی، سلمان. (۱۳۸۸). احیای محلات شهری پاسخی به نیازهای اجتماعی شهر تهران. منظر، ۱۱(۵)، ۴۲-۴۳.
- موسوی، سید یعقوب. (۱۳۸۱). پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها. مدرس علوم انسانی، ۶(۴)، ۹۵-۱۱۲.
- موسوی، سید یعقوب. (۱۳۹۱). محله نوین، الگوی جامعه‌شناسی شهری از توسعه محله‌ای. منظر، ۴(۱۸)، ۶۷-۷۳.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

سرتیپی اصفهانی، محمدرضا. (۱۴۰۱). محله به‌مثابه امکانی برای جذب گردشگر (همبستگی اجتماعی در محلات سنتی، عامل قوام حیات محله). گردشگری فرهنگ، ۳(۱۱)، ۵۴-۵۷.



DOI: 10.22034/toc.2023.379383.1106

URL: http://www.toc-sj.com/article_165225.html